

# مردم تونس در محاصره پروآمریکائی ها و اسلامیست ها

شنبه ۲ بهمن ۱۳۸۹ - ۲۲ ژانویه ۲۰۱۱

تهیه گزارش ناهید جعفرپور

اعتراض بر علیه حزب رئیس جمهور سرنگون شده تونس " حزب ارس د" در روز چهارشنبه همچنان از وقایع مهم تونس بود. این تظاهرات بزرگ که تحت رهبری اتحادیه کارگری " اوگتات " برگزار گردید انحلال فوری حزب بن علی را خواستار شد. در بیانیه تظاهرات بیان شده که "هیچکس از وابستگان این حزب اجازه شرکت در دولت موقت را ندارد. در غیر این صورت دولت جدید توهینی به انقلاب تونس و تمامی قربانیان آن می باشد".

نماینده اپوزیسیون "فوروم دمکراتیک برای کار و آزادی" گفته است که زمانی در کابینه وحدت ملی شرکت خواهد نمود که حزب بن علی منحل شده باشد. مصطفی بن جعفر دبیر این حزب تنها یک روز بعد از اینکه بعنوان وزیر بهداشت انتخاب گردیده بود در روز سه شنبه به همراه سه وزیر دیگر از کار کناره گیری نمودند تا بدینوسیله بر علیه حضور بزرگ اعضای حزب بن علی در کابینه اعتراض نمایند. سلیم آمامو که بعد از فرار بن علی از زندان آزاد شد و به عنوان وزیر جوانان و ورزش انتخاب گردید در این باره به رادیو بی بی سی گفت: " البته این دولت در هر حال مدت دار است و وظیفه اش تنها سازماندهی انتخابات است". وی همچنین افزود که برای وی روشن است که انتخاب نخواهد شد. اما وی می خواهد در کابینه بماند و ببیند که یک چنین دولتی چگونه عمل می کند".

روز سه شنبه سیاستمدار تبعیدی مشهور المنصف المرزوقی از فرانسه به تونس باز گشت. وی که پزشک است سال های طولانی دبیر لیگای حقوق بشر تونس بود و در سال 2001 در تبعید حزب " کنگره برای جمهوری" را تاسیس نمود. وی قصد دارد از سوی این حزب خود را کاندید ریاست جمهوری نماید. وی بعد از ورودش به تونس گفت که حزب بن علی پارازیت است و باید منحل گردد. وی از عربستان سعودی خواسته است که رئیس جمهور فراری را به تونس تحویل دهد تا وی بخاطر جنایاتی که کرده است در جلوی دادگاه قرار گیرد.

محمد الغنوشی نخست وزیر و رئیس جمهور موقت فواد مبارزا بعنوان عکس العمل به اعتراضات به حزب " ارس د" از این حزب بیرون آمدند. حزب کمونیست کارگری تونس و حزب اسلامی النهضه همچنان در دولت موقت

شرکت ندارند. سخنگوی حزب کمونیست کارگری که بعد از سرنگونی بن علی از زندان آزاد گشت به دولت موقت اتهام زد که می خواهد رژیم قدیمی را زنده کند. وی گفت که تمامی ساختارهای استبدادی هنوز به قدرت خود باقی مانده اند. وی همزمان در مقابل احزاب اسلامیستی که تلاش می کنند از قیام سکولاریستی تونس استفاده ابزاری کنند، موضع گرفت. وی گفت مردم باید اتحاد خویش را حفظ نمایند و هیچکسی حق انشعاب در این اتحاد مردم را ندارد.

در این میان وزیر امور خارجه تونس کمال مرجانه بطوری غیرمنتظره مصر را ترک نمود. طبق اطلاعات ماموران فرودگاه وی روز چهارشنبه قبل از بازگشائی کنفرانس لیگای عربی مصر را ترک کرده است. امر موسی دبیر اعظم لیگای عربی در سخنرانی خویش در این ملاقات قیام مردم تونس را اخطاری برای سایر کشورهای عربی دانست. وی گفت که میان وقایعی که در تونس گذشت و وضعیت بد اقتصادی عمومی کشورهای عربی رابطه وجود دارد و روح عربی به خاطر فقر و بیکاری و فشار لطمه دیده است".

اینکه آیا قیام مردم تونس باعث تغییر قدرت خواهد شد به هیچ وجه هنوز مشخص نیست. زیرا قیامی که محصول در تنگنا قرار گرفتن و استثمار و بیکاری و فقر مردم تونس است فاقد رهبری است و این خود خطر اوضاعی درهم بر هم و یا راه حلی خشونت آمیز با دخالت ارتش را در دل خود حمل می کند.

انقلاب نرم "مخملی" تنها واژه ای نیست که افکار عمومی غربی برای حوادث در تونس استفاده می کنند بلکه طرفداران این نظر تلاش دارند روند آتی تونس را در مسیری که دلخواهشان است بکشانند. مسلماً انقلابی چند رنگه که هیچگونه تصرف واقعی بر دارائی ها و مناسبات قدرتی نداشته باشد، کارتل های هژمونی طلب غربی را خوشحال می کند. اما خیزش مردم تونس نه رنگی است و نه در کل روح نئولیبرالی را در خود حمل می کند بلکه بر عکس خیزش مردمی است که مصمم هستند که دیگر چون تا کنون زندگی نکنند. این خیزش محصول نابرابری های اجتماعی و فشارهای سیاسی در تونس است. تلاش های دمکراتیک در کشور های عربی همواره تلاش های ضد امپریالیستی هم بوده اند. زیرا که با وجود اینکه زندگی مردم این کشورها روز بروز بدتر شده است اما تجارت های تسلیحاتی رژیم های عربی و ثروت خانواده های در قدرت روز بروز بیشتر گشته است. دلائل شکاف طبقاتی میان تهیدستان و ثروتمندان در کشورهای عربی متفاوت می باشند و در هر کشوری به نوعی دیگر خود را نشان می دهد. در غالب این کشورها خانواده های رهبری کننده تعیین کننده تمامی مسائل می باشند و رابطه مستقیم با سیاست این کشورها دارند. انتخابات مجلس مصر همین اخیراً نمونه این

ادعاست. رشوه خواری در این کشور ها بیداد می کند ( برای تهیه مسکن، بکار مشغول شدن، کاغذ بازی، بستری شدن در بیمارستان و...). خصوصی سازی در بخش بهداشت، نیازهای پزشکی را به مسئله ای لوکس تبدیل نموده است که مخارج آن از عهده تهیدستان جامعه خارج است. بیمارستان های دولتی فاقد هر گونه امکان پزشکی می باشند و پزشکان و پرستاران از حقوق مکفی برخوردار نیستند. تنها در قاهره نیست که انسانها در فضای باز بیمارستان دولتی شب را تا صبح سپری می کنند تا شاید روز بعد تختی برای مداوا نصیبشان شود.

اقتصاد این کشورها از سال 1980 زیر نفوذ و دیکته صندوق بین المللی پول و بانک جهانی قرار دارد. برنامه های این دو سازمان دولت های کشورهای عربی را مجبور می کنند تا سرمایه گذاری هایی کنند که اقشار تهیدست این کشور ها را تهیدست تر می نماید و آنان را در فقری مطلق فرو برد. افشاری که در گذشته جزء اقشار میانی بودند. خصوصی سازی و تبدیل بازار های داخلی به سطح بازار های جهانی باعث نابودی تولید محلی و منطقه ای شده است. چیزی که در بخش زراعی این کشور ها اتفاق افتاده است. شرکت های بین المللی برای استفاده از دستمزد های ارزان و فرار از مالیات و استفاده از مزایای این دولت ها از سوریه تا مراکش مراکز تولیدی خویش را در این کشور ها برقرار نموده اند.

تولیدات خارجی بازار های محلی این کشور ها را اشباح نموده اند و این مسئله باعث شده است که تولیدات داخلی ارزش خویش را از دست بدهند. برای مثال موز از آمریکا جنوبی و مرغ از برزیل و کرم بادام زمینی از انگلستان وارد می گردد و این مسئله باعث می شود که تولید کنندگان سبزیجات و میوه داخلی قیمت های خویش را آنچنان ارزان کنند که بعد از مدتی ورشکست شوند.

در مقابل آب میوه و محصولات شیری در این منطقه برای کنسرن ها بین المللی تولید می شود. برای مثال تهیه این محصولات از سوی عربستان سعودی برای شرکت های بین المللی چون نستله و کوکا کولا.

بالا بودن مالیات روی بنزین و گازوئیل قیمت ترانسپورت را بسیار گران کرده است. بطوری که برای دهقانان اصلا ارزش ندارد محصولات خویش را به بازار های شهر ها حمل کنند. نه تنها در مصر دهقانان فقیر به حاشیه شهرها رانده شده و در فقر مطلق بسر می برند بلکه در تمامی شهرهای بزرگ کشورهای منطقه این مسئله به روشنی مشهود است. زیر ساختار های اجتماعی، مدارس، بیمارستانها، حمل و نقل، برق و آب در مناطق روستائی بندرت وجود دارد و کار بسختی یافت می شود. مردم این مناطق شدیداً خود را از سوی دولت ها مورد تبعیض می بینند.

غالب رژیم های مستبد عربی از زمان پایان شوروی از سوی آمریکا و اروپا پشتیبانی می شوند. اردن و مصر بعنوان شرکای اسرائیل کمک های گسترده اقتصادی و نظامی دریافت می کنند و برای اینکه اروپا را در مقابل آوارگان محافظت کنند و مبارزه بر علیه ترور اسلامی و بین المللی را پیش برند، نیروهای پلیس و سربازانشان تا دندان مسلح شده و دوره های آموزشی برای آنان در غرب تدارک دیده می شود. سرنگونی شریک سال های سال آمریکا در تونس برای آمریکا شوک بزرگی است. درس بزرگ از قیام مردم تونس حال در آینده هر اتفاق و تغییر و تحولی هم که اتفاق بیافتد این است که به مردم کشورهای عربی تا ابد نمی شود دروغ گفت و آنها را استثمار نمود. دومین درس این است که نیروی جوانی در این کشورها به مبارزه برخاسته است که سکولار است و نمی خواهد با اسلامیت ها عداوتی داشته باشد که کار داشته باشد و این مسئله در تاریخ مبارزاتی این کشورها مسئله ای نوین است. اکنون مردم تونس از دو سو محاصره شده اند. اول از سوی اسلامیت ها که می خواهند بر مبارزات آنان سوار شوند و دوم از سوی نیروهای رژیم سابق تونس و طرفداران آمریکا و اروپا. آینده چه خواهد شد بستگی به قدرت نیروهای سکولار درون تونس و تلاش اتحادیه های کارگری و مسلمانان انتخابات بعدی و رای مردم تونس دارد.